

با احکام قانون مدنی در ایجاد خانواده و عقد ازدواج

آشنا شوید

بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود

در بحبوحه افتخار آفرینی های جوانان افغان در اروپا اینبار جوان هموطنم سانگه جان صدیقی شریفی رایت میهنش را به اهتزاز درآورد و نام آور عزت به سرزمین خود گردید.

سانگه جان با سرفرازی آموزه های تعیین شده دانشگاه حقوق کشور شاهی هلند را به سررسانید و حال با یک شهامت بینظیر قصد دارد بخشی نظام حقوقی این کشور بویژه بخش احوال شخصیه آن را با قانون مدنی افغانستان (بزرگترین) قانون وطن مقایسه و پژوهش نماید من درین امر سترگ برایش موفقیت میخوام.

مدتی قبل من با حرمت گذاری به طلب وخواست این جوان پُر تلاش تعهد سپردم که: به اندازه توان نا توان خویش در ارتباط به بعضی از احکام مواد قانون مدنی که اصل موضوع و محتوای پُرسش را نشانی میکند و از داشته های نصوص قانون مذکور بحساب می آید بطور مؤجز و مختصر بنویسم - و در ادامه این تعهد خاطر نشان ساختم که من به آن پُرسشهاییکه چرخش به «چرا های» چون عادلانه بودن و یا نبودن متن و محتوای قانون و یا چگونگی عدالت زا بودن منابع آن خود را مکلف نمیدانم. و یا به سوالات همگون با این مطالب که جواب آن از صلاحیت من فراتر و از فهم من بالاتر باشد خود را متعهد نمی شمارم.

اما میتوانم این مشوره را تقدیم دوستان نمایم که در صورت داشتن و یا طرح چنین سوالها به مراکز پژوهشهای اسلامی و مسایل شرعی در داخل و خارج وطن مراجعه و پاسخ پُرسشها را دریافت نمایند.

بهر صورت من کنون برای ایفاء وعده قبلی خویش به اندازه یاری ذهن و توانم می نویسم: و درآغازین این بحث

به منظور ورود و - فهم احکام قوانین مراتب آتی را واجب الرعايت می دانم:

دوستان محترم گمان مبرید که من با پذیرش حالت دُگم در دفاع از قوانین نافذ کشورم برآمده واز دار و ندار و از کمی و کاستی ها و یا کمبود و نواقص آن دفاع مینمایم و آن را مُنزل آسمانی شمرده قابل تغییر نمیشمارم.

من عقیده دارم قوانین مکتوب با در نظر داشت شرایط و تحولات زمان و مکان و خواست و پذیرش جامعه تحت سلطه قانون قابل باز بینی و تعدیل بوده میتواند. چون قانون منحیث یک قرار داد اجتماعی با رژیم ها و حکومتات برسر اقتدار از طرف جامعه در ادوار و زمان مختلف تدوین و تسجیل میشود پس بطور اساسی خواست اکثریت افراد جامعه پایه گذار این قرار داد است. و این قوانین که ظاهرن به منظور حفظ نظام کیفری ومدنی (حفظ حقوق افراد جامعه) ادای وجایب زودن ظلم و استبداد ایجاد و حفظ امنیت از طریق تطبیق احکام آن «حاکمیت قانون» و بالاخیره تأمین عدالت اجتماعی ایجاد شده است) محتوا و دار و ندار و منابع آن مربوط همان جامعه است که آن را بوجود آورده و با همان کم و کیف پذیرفته اند.

زمانیکه در تحولات اجتماع و خواست و ضرورت جامعه کمبود و نواقص قوانین احساس - و ادارات حفظ و حراست قانون و حقوق آن را درک نمایند. قوانین جدید تدوین و تسجیل و یا هم قوانین نافذ تعدیل و تکمیل میگردد این مأمول و ضرورت زمانی بر آورده میشود که مراجع باز پُرس و عدالتخواه در جغرافیای تحت نفوذ و سلطه قانون موجود باشد همانطوریکه در بالا اشاره نمودم این نکته را نباید فراموش کنیم که:

قوانین در نتیجه یک قرارداد اجتماعی بین رژیم‌ها و حکومت‌ها و زمان تسوید و تسجیل میشود و محتوا و داشته‌های قوانین استوار بر تقاضا و پذیرش جامعه و ناشی از هضم و ظرفیت اجتماع است که برای حفظ نظام حقوقی و مدنی کشور و پاسداری از حریم جامعه و امنیت افراد آن بوجود می‌آید بر همین بنیاد بخش نظام کیفری در خصلت خویش ضامن امنیت و ثبات جامعه و از دید جامعه برای عدالت «وقت» کافی شمرده میشود.

ولی اصل عمده و اساسی که هر فرد چیز فهم بایست به آن توجه کند تطبیق احکام قانون است.

قابل انکار نیست که قوانین نافذ بدون تطبیق و اجرا کاغذ پاره‌بیش نیست اما با اجرائی شدن احکام خویش سعادت و خوشبختی ای بار می‌آرد که جامعه توقع آنرا دارد. مدلل بر آنچه نوشتیم من قاطعانه باور و ایمان دارم که بسا از رژیم‌ها و حاکمیت‌های گذشته و موجود در زمان سلطه و اقتدار خود‌ها قوانین و مصادری طرح و تسجیل نموده‌اند که حافظ منافع و قدرت و حاکمیت خود آن‌ها بوده و خود مافوق قانون قرار داشته‌اند. و یا قوانین نافذ و موجود را با همه دارو و نادر آن چنان ملعبه دست و زبان ساخته‌اند که گویا در مملکت و جامعه اصلن قانونی وجود نداشته باشد. شما یکبار بر حال وطن تمکین کنید و از حاکمیت قانون بپرسید؟

بلی: اصول زشتیکه درین اواخر عریان و هویدا' مشهود و محسوس و با بیشرمی و دیده‌درائی بی‌پیشینه درمیهن ما برای اغواء و فریب مردم بکار برده میشود' لفاظی‌ها از رعایت احکام قانون آنهم از زبان حلقه‌های صاحب اقتدار است که بیشرمانه تکرار و زمزمه می‌گردد در حالیکه مردم می‌فهمند که قانون با احکام خویش دفن خاک و نامش مسخره زبان اهل قدرت شده است («از قانون جنگل استقبال نکنید» «قانونیت شرط تکوین عدالت است» و دیگر مقالاتم که بر مدار قانون و حاکمیت آن می‌چرخد - باعناوین ذکر شده و عناوین مختلف دیگر در برگه «موضوعات جالب حقوقی و قانونی» قابل ملاحظه است).

درمیهن بلا کشیده ما اعمالیکه در مطابقت به هدیای احکام قانون توأم با نیت و مرام منفعت‌رسانی به جامعه وسیله سردمداران قدرت پیاده شده باشد محسوس و مشهود نیست' بهتر خواهد بود با یک جمله کوتاه این بی‌بند و باری را چنین خلاصه نمائیم: «قانونیت در وطن رخت بسته است». بیتردید اهل خرد فهمیده‌اند که صرف بازی با نام قانون وسیله خاک زدن بر چشم مردم و تخدیر اذهان عامه در آن سرزمین شده است در حالیکه هیچ عملی در چوکات قانون انجام نمیشود ولی قانون وسیله مداری‌گری برای فریب مردم میگردد. به همه حال:

جان مطلب این است که در چنین حالت وجود قوانین نفی نمیشود - قانون به پیمانۀ ضرورت و کافی وجود دارد ولی گره‌کور مشکل تطبیق و رعایت احکام قانون است. اکنون با توجه به محتوای آنچه عرضه شد من معتقدم قوانین نافذ را برای درک بهتر و فهم ضروری - با رعایت دقیق نکات زیر مطالعه و بر او امر آن پی بریم' و اگر فراتر از آن در سلامت فهم و درک قانون به اشتباه رفته و در تطبیق و اجرای آن تخلفات عمدی و استفاده‌های سوء صورت گرفته و یا می‌گیرد قانون را مقصر نشماریم

من می‌خواهم با ذکر عناوین زیردرین راستا ذکر مختصری نمایم که قوانین با رعایت این شرایط بایست بکار گرفته شود:

- ۱ - در ابتدا از مفاهیم و معانی احکام قوانین مورد نظر درک و فهم کامل داشته باشیم.
- ۲ - عدم دسترسی و درک تخصصی از احکام قانون دلیل کمبود و نواقص آن نیست.
- ۳ - اگر قوانین حاوی کمبود و نقصان است «طور قانونی» می تواند قابل تعدیل و اصلاح باشد. و این نواقص و یا کمبود می تواند از مجرای مجاز و قانونی آن مرفوع گردد.
- ۴ - حاکمیت قانون و قانونیت بر مبنای همان قرارداد قبول شده اجتماعی میتواند حافظ منافع افراد جامعه و تأمین کننده عدالت نسبی گردد. اما عدم رعایت احکام قانون و تخلف از احکام آن نواقص و کمبود قانون شمرده نمیشود.
- ۵ - در ادوار و ازمنه مختلف قوانین و مصادری وجود داشته است که رژیم ها و سلاطین و قدرت های مختلف برای حفظ اقتدار و بقای قدرت خود ها آن را وسیله قرار داده و مورد استفاده قرار داده اند. اما قوانین موجود در تطابق با شرایط و جو حاکم جامعه قابل دید است.
- ۶ - بحث چگونگی درون مایه قوانین فعلی و منابع آن که حاوی عدالت اجتماعی است و یا خیر؟ در حوصله و ظرفیت این بحث نیست علاقه مندان می توانند با تماسهای بخصوص با مراجع ذیربط پاسخ لازم دریافت کنند. چون چرخش بحث ما قوانین مسجل و نافذ کشور است سخنان ما هم بر همین محور می چرخد.
- ۷ - من نمیتوانم داشته ها و محتوای همه قوانین سابق و حاضر را عاری از تأمین عدالت پندارم و آنها را عاری از داد و عدل به شمار آرم - چون اصل عدالت بر اساس نسبییت و یا عدالت نسبی استوار است بوده و هست قوانینی که حاوی این اصل زرین می باشد.

و اینک بر همین بنیاد داشته های بعضی از احکام قانون مدنی را که بر پرسشهای دوستانم ارتباط دارد به اندازه تجویز ذهن و فهم خود بازگو می نمایم. و اگر تقصیری داشتم عذرم خواسته باشد.

.....
چون روح و جوهر مطالب ما در ارتباط به پرسشهای مطروحه در حقیقت عقد ازدواج تشکیل فامیل و اثرات مثبت و منفی آن در محدوده احکام قوانین است. لازمه خود دانستم آغازم همین باشد که گفتم ولی بسیار کوتاه و مختصر.

حکمت و مشروعیت ازدواج:

عقد ازدواج های قانونی که بر اساس یک رابطه عاطفی و حقوقی بر مبنای خواست و رضائیت جانبین و به دور از اکراه و جبر ایجاد میشود در حقیقت اساسگذار نهاد یک فامیل نو در جوار خانواده های جوامع بشریست. همانطوریکه قانون در عقد ازدواج حقوق جانبین این پیمان و پیوند را اساسگذاری می نماید به مکلفیت های جانبین این نهاد جدید تاکید می ورزد و ازدواج را تبارز دهنده حقوق و مکلفیت های زوج و زوجه می شمارد ازدواج در حقیقت ایجاد کننده و جایب الزامی به هر دو طرف عقد است اگر شوهر حقوقی برای خود قایل است زن هم از حقوق قانونی خویش به هیچ صورتی محروم نمیگردد.

می بینیم تشکیل یک زندگی مشترک و فامیل جدید که بر اساس رضائیت جانبین عقد بوجود می آید استوار بر انگیزه ها و عطوفت انسانی و معاشرت زنا شوهری در خانواده است که با یک رابطه عاطفی و حقوقی بوجود آمده و منتج به توالد و تناسل و تکثر اعضای خانواده میگردد. که چنین پی آمدی طبعن اثر ازدواج و تداوم نسل بشر خوانده میشود.

بر همین بنیاد حکمت در ازدواج بقای نسل بشر و تداوم زندگی انسانها بر پایه خرد ورزی در راه یک نظام خوب بشری و برخوردار از نظام امن و سلامت است .

عقد ازدواج و تشکیل فامیل از دید قانون وادیان و مذاهب مختلف با ابعاد گوناگون در سرتاسر کره زمین و جوامع بشری از تعاملات مجاز بوده که بعد قانونی آن زیاد تر اهمیت بسزائی دارد و بسا که ابعاد دینی و مذهبی آن با توأمیت خاص با نظام قانونی در ممالک اسلامی مورد توجه قرار داشته و عقد نکاح را با رعایت همین ابعاد به رسمیت می شناسند. قانون مدنی افغانستان با رعایت دقیق احکام اسلامی و حرمت گذاری به روح و سنت جامعه نهاد تشکیل فامیل را از آوان نامزدی تا عقد ازدواج و اثرات بعدی آن از قبیل وجود نسل و نسب و اولاد و یا نا ملایمات بعدی عقد چون تفریق و طلاق و غیره با هدایت قانونی و حفظ نظام حقوقی تصریح نموده رعایت آن را وجیبه افراد جامعه می پندارد. مدلل بر آنچه عرض کردم بهتر میدانم فقط برای ایجاد یک ملکه و معلومات بسیار مختصر از مقدمات ازدواج تا نهایت عقد که برای خوانندگان ما مشکل زا نگردد ' از بحری قطره ی گیریم تا رفع عطش کند:

ازین جا شروع میکنیم:

ماده (۶۰) قانون مدنی افغانستان حکم می کند:

ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را بوجود می آورد.

اصل فوق الذکر هدایت مشروعیت و جواز تشکیل فامیل می دهد. البته مواد و هدایات بعدی قانون مدنی که صرف احکام مربوط به ازدواج و چگونگی اجرائات آن را احتواء می کند درین جا کنجایش شرح و بسط ندارد. لهذا: ابتدا لازم می بینم از مقدمات ازدواج که در اصطلاح قانون و جامعه بنام نامزدی یاد میشود به این مختصر ادامه دهیم:

مرحله نامزدی در ازدواج :

قبل از اینکه به اصل مطلب در آیم باید آگاه شویم که به حکم ماده ۶۲ قانون مدنی نامزدی با زنی جواز دارد که در قید نکاح و عدت غیر نباشد.

مرحله نامزدی که اساسگذار و سرنوشت ساز برای عقد ازدواج و تشکیل خانواده است در دنیای مدرن و متحول فعلی به نام زمان درک و معرفت و یا همدیگر پذیری یاد میشود که میتواند سبب ایجاد اعتماد و تشخیص چگونگی زندگی و آینده مشترک و وسیله برای عقد ازدواج و تشکیل فامیل و خانواده گردد. قانون مدنی و نظام حقوقی کشور ما با رعایت دقیق حقوق افراد در جهت تصمیم گیری و اقدام به عقد ازدواج در مرحله نامزدی برای جانبین عقد اختیار و صلاحیت آزاد می بخشد تا بعد از درک و شناخت همدیگر سر نوشت آینده خویش را خود رقم زنند و زندگی آینده را بطور دلخواه تعیین نمایند.

قانون مدنی فاصله دور شناخت و معرفت و تبارز قول و قرار دایر بر عقد ازدواج را بر روال سنت جامعه ما نامزدی و وعده به ازدواج می خواند و بالین صراحت و وسعت نظر به طرفین و اقدام کنندگان ازدواج اختیار و صلاحیت می دهد که: اگر فصل نامزدی بستری برای اعتماد و رضایت گردد در عقد ازدواج ممانعتی وجود نداشته میشود آزادانه عقد کامل صورت گیرد.

ولی در صورتیکه جانبین با درک و برداشت از دوران نامزدی ازدواج و تشکیل فامیل را به خیر و صلاح خود ها ندانند می توانند از ان منصرف و آن را فسخ نمایند انصراف درین مرحله شکل و صبغه اختیاری دارد تا وسیله جبر و اکراه در عقد و معاشرت زنا شوهری بوجود نیاید.

قانون مدنی در ماده ۶۴ - خویش صراحتی دارد به این شرح :

نامزدی عبارت از وعده به ازدواج است هر یک از طرفین می تواند از ان منصرف شود.

آنچه خواندیم اشاراتی کوتاهی بود از اقدام به به یک زندگی مشترک بنام ازدواج قانونی یا تشکیل کانون خانواده از دید قانون.

زمانیکه دوره نامزدی با سعادت همراه گردد و رضایت جانبین را به عقد ازدواج حاصل کند و جانبین آماده عقد شوند - چه اقدامی باید به عمل آید و کدام هدایات قانون بایست رعایت شود:

عقد ازدواج در حال وجود رضائیت عاقدین شروط غیر قانونی را نمی پذیرد و با ایجاب و قبول صریح بدون قید و وقت در مجلس واحد صورت میگیرد.

عقد ازدواج در محدوده این هدایات :

ماده ۶۶ قانون مدنی:

عقد ازدواج به ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند بدون قید و وقت در مجلس واحد صورت میگیرد.

عقد ازدواج زمانی نافذ و صحیح پنداشته میشود که هیچگونه ممانعت در راه ایجاد عقد وجود نداشته و شرایط مکمل هدایات احکام قانون در آن رعایت گردد.

برای صحت عقد و نفاذ آن شرایط آتی لازم است:

۱ : انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین یا اولیاء یا وکلای شان.

۲ : حضور دو نفر شاهد با اهلیت.

۳ : عدم موجودیت حرمت دائمی و یا مؤقت بین ناکح و منکوحه.

قابل دقت است که قانون در هدایت مجزاء از تذکرات داده شده تجویز میکند که اگر دختر رشیده (دارای اهلیت) و عاقله بدون موافقت ولی ازدواج نماید عقد آن نافذ و لازم است. دقت کنید:

ماده ۸۰ ق م

هرگاه عاقله رشیده بدون موافقه ولی ازدواج نماید عقد نکاح نافذ و لازم می باشد.

ادامه دارد لطفن منتظر بمانید.

سخی صمیم